

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 0049 1633458007  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی  
Tel: 00491757377539  
E-mail: pramzanali@yahoo.de

# ایسکرا

## ۳۱۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۱۷ مه ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

## اطلاعیه تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی

برافرازند. جبهه سوم جبهه نه به میلیتاریسم و نه به اسلام سیاسی است. این جبهه سکولارها، آزادیخواهان، طرفداران خلع سلاح اتمی همه کشورها، مخالفین میلیتاریسم دولتی آمریکا، مخالفین تروریسم اسلامی، فعالین جنبش آزادی زن، مخالفین اعدام و

میلیتاریسم و قلدردمنشی نظامی و سیاسی دولت آمریکا و متحدینش، و از تروریسم اسلامی به تنگ آمده اند و میخواهند در برابر این دو قطب تروریستی، که هر یک جنایات خود علیه بشریت را با جنایات طرف مقابل توجیه میکنند، پرچم تمدن و انسانیت و آزادیخواهی را

حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی میلیتاریسم دولتی آمریکا و اسلام سیاسی را اعلام میکند. جبهه سوم جبهه بشریت متمدن در برابر جنگ و توحش است. جبهه سوم جبهه همه انسانهای آزاده ای است که از

## دگر دیسی سیاسی علیه کمونیسم کارگری برای ورود به بارگاه ناسیونالیسم کرد

آمریکا، مواضع و سیاست جریانات مختلف یک بار دیگر بازتعریف میشود. هر جریانی با سیاستهای امروزش در قبال بحران ایجاد شده جایگاه خود را تعیین میکند. خارج از جدی یا غیر جدی بودن هر جریانی این اوضاع همه را به جنب و جوش انداخته است. جریانات سیاسی راست و چپ جامعه در متن این کشمکش دارند سیاست، تئوری، افق و توقعشان را بیجان میکنند. صفحه ۳



محمد آسنگران

اخیراً در فضای جنگی میان دو قطب تروریستی، اسلام سیاسی و

## من و دو نازنین! کمپین گسترده ای که انسانیت را نمایندگی میکند!



مهآباد فاتحی (نازنین)

متأسفانه جان مهآباد فاتحی معروف به نازنین در خطر است. گویا مقامات زندان گفته اند پرونده صفحه ۵



مینا احدی

سندج به کرج نقل مکان کرده اند. طبق خبری که از کمیته بین المللی علیه اعدام به ما رسیده است



نازنین افشین جم

نازنین دختری ۱۷ ساله بود که اکنون در زندان ۱۸ ساله شده است. او از یک خانواده فقیر است که از

صفحه ۶

صفحه ۷

صفحه ۷

صفحه ۷

صفحه ۸

صفحه ۸

آوات صادقی

### اخباری از اعتراضات کارگری

تجمع دانشجویان دانشگاه کردستان

تجمع اعتراض آمیز کارگران کارخانه شاهو سندج

کارگران نساجی های کاشان به اعتصاب خود ادامه میدهند

درگیری مردم سندج با نیروهای دولتی

با تشکر فراوان از یاران پدر عزیزم



صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## اطلاعیه تشکیل جبهه سوم . . .

سنگسار و قتل‌های ناموسی و مدافعین حقوق جهانشمول انسانها در سراسر کره ارض است.

مقابله با میلیتاریسم دولتی غرب از مقابله با اسلام سیاسی جدائی ناپذیر است. میلیتاریسم دولت آمریکا و مستحدينش و تروریسم اسلامی اجزائی از ارتجاع "نظم نوین جهانی" هستند که به یکدیگر زمینه وجودی میدهند و یکدیگر را توجیه و تقویت میکنند. شاخه‌ای از اسلام سیاسی امروز در عراق و افغانستان در کنار آمریکا قرار گرفته و مستقیماً بعنوان نیروی در دولتهای فوق ارتجاعی دست ساز آمریکا و متحدینش بکار گرفته میشود، و بخش دیگر نیز که در مقابل آمریکاست هویت سیاسی و علت وجودی خود را از جنایات و مصائبی میگیرد که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در عراق و فلسطین و کل منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. اسلام سیاسی در کلیت خود جنبشی ضد بشری و مافوق ارتجاعی است که بر متن سیاستهای ارتجاعی دولت آمریکا و دولتهای غربی زمیینه و ضرورت وجودی پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ستون فقرات اسلام سیاسی و حامی تروریسم اسلامی در خاورمیانه و در سطح جهانی و یک حکومت مافوق ارتجاعی با یک کارنامه ۲۷ ساله از سرکوب و ترور و جنایت علیه مردم ایران است. مردم ایران با مبارزه علیه این حکومت ضد انسانی و برای رسیدن به آزادی و برابری در صف مقدم مبارزه علیه جنگ تروریستها قرار میگیرند.

جبهه سوم مبارزات مردم ایران علیه تهدیدات و دخالتگری نظامی و سیاسی آمریکا و جنبش انقلابی آنان برای سرنگونی جمهوری

اسلامی را یک آلت‌رناتیو و شیوه عملی، موثر و تعیین کننده مقابله با جنگ تروریستها میدانند و از جنبش مردم ایران برای آزادی و برابری فعالانه حمایت میکنند.

ما بیانیه جبهه سوم را اعلام میداریم و از همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیت‌های انساندوست، سکولار، ضد جنگ، و آزادیخواه جهان می‌خواهیم که با امضای این بیانیه به جبهه سوم بپیوندند.

بیانیه جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکشی که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه‌هایی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین‌المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قلدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانات تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم

تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.

۲- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی.

جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.

۳- خلع سلاح اتمی همه دولتها.

نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوردیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع ذیصلاحی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه

هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.

۴- تعرض به حقوق مدنی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود.

دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای مدنی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگانی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و

دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران‌ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قد علم کند. راه حل انسانی و واقعی مسالمة سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدرمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکنند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگریهای سیاسی - نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صدور دموکراسی" و تحمیل حکومت‌های دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

۱- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی.

بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.

۵- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم.

مردم ایران که ۲۷ سال است

در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدر منشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.

۶- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود.

جمهوری اسلامی بدلیل ۲۷ سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمانه مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حاکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانات تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.

ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیت‌های انساندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

# نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی!

از صفحه ۱

## دگر دیسی سیاسی ...

تحرکات و جنب و جوش جریانات سیاسی به اتحادها و جدائیهای جدیدی منجر خواهد شد. جمهوریخواهان و سلطنت طلبان و بخشی از دوم خردادها همراه آریایی پرستان در یک راستا دارند حرکت میکنند. احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد دارند جبهه خودشان را به سفارش وزارت خارجه آمریکا درست میکنند. همه نیروهای مذکور کم و بیش چشم به انتظار نتایج سیاستهای آمریکا هستند. هر کدام از اینها تلاش میکنند به نتایج دلخواه برسند. آن طیفی که سازمانها و جریانات "چپ" گفته میشود اکثراً با موضعی سنتی و ضد امپریالیستی در مخالفت با جنگ موضع گرفته اند. اما در این طیف مواضع در یک راستا نیست. یکی طرفدار "صلح" است و یکی "چپ ضد امپریالیست" و آن یکی گلیج و بیخاصیت فقط اعلام موضعی کرده و امکان و توان حرکتی ندارد.

اما در بطن این تحولات تعدادی از جریانات حاشیه ای تر به سرگردانی و بی افقی عجیبی دچار شده اند. یکی از این جریانات حاشیه ای و بی افق جریان منشعب از حزب کمونیست کارگری ایران است که سرنوشت و عاقبت غم انگیزی پیدا کرده است. من سعی میکنم اینجا مختصراً به شیفت سیاسی این جماعت در متن اوضاع فعلی بپردازم. شیفت کردن آنها از چپ به راست امر تازه ای نیست آنچه تازه است سرعت غیر قابل توصیف آنها در این راستا است. پرداختن به اینها نه به دلیل جایگاه و اهمیت شان بلکه به دلیل حفاظی است که برای سرپوش گذاشتن بر راست روی خود زیر آن خود را پنهان کرده اند. این حفاظ اسم منصور حکمت است.

اینها فعالیت تحت عنوان این اسم را به دلیل اعتبار و اتوریته آن انجام میدهند. این در حالی است که تمام تنورهای و سیاستهای آنها در تقابل با منصور حکمت است. همان بلایی که چپ ناسیونالیست یک دوره ای به سر سوسیالیسم و لنین آوردند اینها میخواهند سر منصور حکمت

بیارند. سیر حرکت اینها شیفت از کمونیسم به سمت ناسیونالیسم کرد است. اعضا این خانواده "سیاسی" بسیار "منصف"، مطالبی را نوشته و گفته اند که از یکسو، هسته ضد امپریالیستی چپ سنتی را بالا آورده و تحویل میدهند و از سوی دیگر برای شرف یاب شدن به بارگاه ناسیونالیسم کرد هر دری را میکنند.

ما از ابتدای انشعاب اینها، این سیر دگر دیسی را پیش بینی کرده بودیم. نوشتیم که این گرایش فیلسف یاد هندوستان کرده و به منجلا بی سیر میکند که قبلاً مهتدی و شرکا این راه را طی کرده اند. اکنون شاهد تلاش بیوقفه آنها در این مسیر هستیم. این حکم الزاماً نه از ادعاهای آنها و یا آنچه که مینوشتند و مینویسند، بلکه از شناخت پایه ای تری سر چشمه میگرفت که نیازهای سیاسی این گرایش راست ناچار به جواب دادن به آن نیاز بود. حتی هنگامی که از حزب نرفته بودند، نارضایتی از حزب و مخالفت با سیاستهای مصوب حزب هم از اینجا ناشی میشد. صحبتهای درگوشی و سپس علنی در پلنوم های اخیرشان و کفش و کلاه کردن و روانه سلیمانیه شدن، برای مذاکره به هر قیمت با صاحبان قدرت در کردستان عراق، تنها گوشه هایی از این روند و دگر دیسی سیاسی را نشان میدهد.

حقیقت اینست که جنبشهای اجتماعی و سنتهای سیاسی تأثیرات پایدار تری از تئوری و سیاست و حزب و برنامه و قطعنامه ... دارند. این جماعت در دل جنبش کردستان بزرگ شده اند. جنبشی که اینها خودشان را جناح چپ آن تعریف میکردند. این جنبش را خوب میشناسند. فرهنگ و سنتش را دارند و راه دیگری هم بلد نیستند. بنابر این رفتنشان در این جهت از همان اول قطعی بود. اساساً برای جواب به این نیاز از حزب فاصله گرفته بودند. اینکه اعلام کردند جامعه به راست چرخیده و چپ

ضعیف است، اینکه اعلام کردند که سوسیالیسم مردم را رم میدهد و ... تکرار همان سیاستهای آقای مهتدی بود که گفته بود اکنون دیگر خود را کمونیست نمیدانند و یک "سوسیالیست" تشریف دارد و کمونیسم امروز جواب مسایل جامعه نیست.

متأسفانه تمام نقدهای رادیکال و مارکسیستی منصور حکمت به محدودیتهای، فرهنگ، سنت و سیاست و افق طبقاتی حاکم بر این جنبش و جناح چپ آن در کردستان، برای این جماعت حکم تریسین و دکوراسیونی را داشت که مدتی آنرا به گردن آویزان کرده بودند و با آن پز میدادند. زیرا آن هنگام منصور حکمتی در راس این حرکت بود که اتوریته و اعتباری بلامنازع داشت. نیروی گریز از مرکز اینها را خنثی میکرد. اما بعد از منصور حکمت متأسفانه ما توانستیم جلو سقوط آنها را بگیریم. اینها هیچ وقت پیشتاز یا صاحب فکر و تئوری سیاستها و جهتگیریها حزب در نقد ناسیونالیسم کرد نشدند.

موقعیت ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق باعث شد که ویروس واگیر ناسیونالیسم همچنانکه عبدالله مهتدی را مبتلا کرد و او را از کمونیسم کارگری و نزدیکی با منصور حکمت به صف جلال طالبانی پرتاب کرد، این دوستان سابق ما را هم مسموم و به همان درد مبتلا نماید.

با حمله آمریکا به عراق و دست بالا پیدا کردن ناسیونالیسم کرد و سازمانهایی نظیر اتحادیه میهنی و بارزانی در عراق، ناسیونالیسم کرد در ایران را نیز به تکاپو انداخت و حمله به کمونیزم و منصور حکمت را در مقطع جنگ اول خلیج و هم اکنون نیز با شدت و حدت تمام پی گرفت. میگویند این حرفها خیالی است، میگویند کمونیزم بد نیست ولی به درد امروز نمیخورد. اکنون و بویژه با شدت گرفتن تشنج بین امریکا و ایران، جریانات ناسیونالیست در کردستان ایران بر اساس همان الگوی کردستان عراق به صف شده، و تعدادی هم با پول اهدایی آمریکا تلویزیون راه انداخته اند و از نظر خودشان افقی برویشان

باز شده است. اینها همگی افقی معین و "ملموس" را دامن زده بود. گرایش راست درون حزب کمونیست کارگری هم با دیدن این اوضاع پلنوم پشت پلنوم می آمدند و میبگفتند که اگر تقی به توقی خورد و نیروهای مسلح وارد شهرها شدند، ما چه میکنیم.

میتوان این سوالات را از زاویه آمده بودن مردم در کردستان در مقابل با جمهوری اسلامی و جنبش ناسیونالیستی کرد و در عین حال روشن کردن راه مسلح شدن کارگران و زنان و جوانان در محل برای مقابله با سرکوب رژیم حاکم و خنثی کردن طرح و سیاستهای احزاب ناسیونالیست کرد، مطرح کرد و جواب داد. اما تمام تلاشی که این گرایش راست جدا شده از حزب آن هنگام و اکنون از خود بروز میدهد، بازی در همان زمین ناسیونالیسم کرد بود و هست.

ویروس ناسیونالیسم کرد که با همه افق و آمال و به همراه آن با فرهنگ و سنت و شکل مبارزه و ادبیات و اخلاقیات و ... اکنون در بین این دوستان سابق رواج بی سابقه ای یافته است. این اتفاق منطبق بر نیاز سیاسی آنها است. با این شدت و حدتی که اینها رو به عقب فرار میکنند و با خشمی که علیه کمونیستها بروز میدهند اگر سران ناسیونالیسم کرد حماقت به خرج ندهند، مدتی دیگر سر از گوشه مقرهای طالبانی در سلیمانیه در خواهند آورد.

اینها با این فرهنگ اکتسابی که از احزاب ناسیونالیست کرد که از نوع بی ریشه و فالانژیست آن به ارث برده اند، تصمیم گرفته اند که سنگ پرانی به حزب ما را به شغل تعطیل ناپذیر خود تبدیل کنند. زیرا در بارگاه ناسیونالیستهای کرد اولین امتحان ورودی به صف آنها، بررسی پرونده فحاشی و لجن پراکنی به سوی کمونیستها و استفاده از انبار اتهامات و بی پرنسیبی اینها علیه حزب کمونیست کارگری است. در این امتحان اینها تلاش میکنند نمره قبولی و پذیرش از سران ناسیونالیست کرد دریافت کنند. اتهامات بی پایه و سنگ پرانی به

حزب کمونیست کارگری برای خود شیرینی و دریافت کارت خروج از صف کمونیستها و کارت ورود به صف ناسیونالیستها است.

اولین گام در این راستا دفاعشان از هلپرکی و لباس و لهجه و سنتهای عقب مانده جامعه کردستان بود. متهم کردن ما به شونیسیم فارس، اتهامی که سالهای سال ناسیونالیستهای کرد علیه منصور حکمت بکار میبردند ورد زبان اینها شده است. هنگامیکه حمید تقوایی را به شونیسیم بودن متهم کردند، معلوم بود که این پرچم شناخته شده ناسیونالیسم کرد را نه الزاماً از روی اعتقادشان به آن، بلکه نیاز سیاسی آنها به آن پرچم را بیان میکرد. حمله به کمونیستها از زاویه ملیت و "دفاع از فرهنگ ملت کرد" لازم بود که از نظر خودشان با "فارسهای ضد کرد و شونیسیم" مرزبندی کنند. این همان نقطه حساس و علامت اختصاری بود که بایست خلص خود را به ناسیونالیستهای کرد نشان میدادند. زیرا آنها سالهای سال همین لجن پراکنی علیه ما را پراتیک کرده بودند. تجربه این را در دگر دیسی آقای مهتدی و ... دیده بودند. زیرا قبلاً آقای مهتدی آن پرچم را بدست گرفته و علیه حزب کمونیست کارگری و بعداً حزب کمونیست ایران سنگ پرانی کرده بود. و از این راه ایشان وارد بارگاه ناسیونالیستهای کرد شد و او را در آغوش کشیدند.

اکنون بیش از هر زمان قرار گرفتن در زیر این پرچم به شکل عیانتری برای منشعبین لازم و ضروری شده است. همان سنگ پرانی را با همان اتهامات و الفاظ که گویا ما شونیسیم هستیم مثل یک نوار قدیمی دارند تکرار میکنند. بازیگران تغییر کرده اند اما پرچم و سنت و اتهام و بی منطقی همان است. سکوی خطابه یکی است، استدلالها و اخلاقیات یکی است. متأسفانه حتی مکان و نقطه حرکت و هدف حرکت هم یکی است. اما آکتورهای آن و تاریخ این دگر دیسی متفاوت است.

برای شناخت بیشتر از عمق این گرایش در میان این جماعت جالب صفحه ۴

از صفحه ۳

## دگر دیسی سیاسی . . .

است که نگاهی به مباحث پلنومشان بیندازیم.

در بخشی از مباحثات پلنومشان چند نفر از سخنرانان در مقابل کورس مدرسی که قبلاً از عقب ماندگی و کم تحرکی زیاده از حد یارانش گله کرده بود، این چنین سخن خود را آغاز می‌کنند: ما می‌خواهیم از "رفقای کرد دفاع کنیم" این کلمه بجای رفقای سوسیالیست و مارکسیست نشسته است. رفقای کمونیست به رفقای کرد تغییر ماهیت داده اند و مدافعین آنها هم این چنین آنها را خطاب می‌کنند. از این هم جالبتر این است حتی یک نفر هم در این پلنوم اعتراضی به این بیان نکرده است. مخاطبین هم مسرور و راضی هستند که این تغییر ماهیت به رسمیت شناخته میشود.

اینجا است که ناسیونالیسم عریان آقای مجید حسینی، و صالح سرداری... میدان دار میشود و جناب مدرسی طبق معمول خود را "اصلاح" میکند و میگوید: "من افتخار میکنم که با شما هستم اگر شما هیچ کاری هم نکنید مهم نیست مهم این است که اینجا نشسته اید. من ملاحظیات شما را میفهمم منظورم این نبود، آنچه شما گفتید درست است." نقل به معنی

همینجا مظفر محمدی اعلام میکند: اگر به عراق بروم حتی لازم نیست که حزب تصمیم بگیرد من با اتحادیه میهنی مذاکره میکنم بعداً میام اینجا دفاع میکنم از کاری که کرده ام."

اینها در پلنوم حزبشان به منظور فراهم کردن زمینه مذاکره و سازش با بارزانی و طالبانی تصمیم میگیرند که علیه آنها حرف نزنند، مقاله ننویسند، زبانشان را گاز بگیرند. اما در همان پلنوم فحش و بد و بیراهه به کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران موج میزند. هر کس پای میکروفون میرود اول اشهده را میخواند (سنگی به ما میزند) بعد ادامه میدهد.

در همان پلنوم که نوارهای آن

موجود است تعدادی از اعضای دفترسیاسی اینها میگویند باید برای مذاکره با اتحادیه میهنی و بارزانی تعجیل کرد و نوشتن و نقد علیه آنها را پایان داد و در نهایت همگی به توافق بر سر این سیاست میرسند که راه مذاکرات را دنبال کنند. اما در همان پلنوم یکی پس از دیگری علیه ما به بدو بیراه گفتن میپردازند و از همدیگر سبقت میگیرند. دنیایی وارونه و مالیخولیایی اینها تاسف برانگیز است، اما واقعیت دارد. در پلنومشان کمونیستها منفور و ناسیونالیستها عزیز شده اند.

بی مایگی اینها باعث حیرت آدم میشود اما گستاخی آنها تنها از جهالتشان نیست. گستاخی علیه کمونیستها ضروری شده است تا در صف مقابل پذیرفته شوند. به همان نسبت که در مقابل ما گستاخ و دهن دریده هستند در مقابل طالبانی و بارزانی سر به زیر و مودب منتظر کارت ورود نشسته اند و مناجات میکنند. در کردستان عراق و در اروپا خانه به خانه دنبال رابط میگردند شاید کسی از مسولین بارزانی و طالبانی آنها را قبول کند و نشستی داشته باشد. به منظور تلاشهای بیصبرانه آقای سرداری در این راستا که در میان نمایندگان رسمی ناسیونالیست کرد در کردستان عراق بی جواب و یا جواب تحقیر آمیز کوچک و خوار شده بود، مجبور شدند خودشان او را تشویق کنند تا از تلاش برای یافتن راه سازش و معامله کوتاهی نکند.

(حتماً آقای سرداری بیباد دارد که چند ماه قبل از انشعاب در هوایمایی که از لندن به کلن هم سفر بودیم به او گفتم این جهتشان سر از مقرهای کومله در میاورد اما آن هنگام او ما را به این تغییر ریل متهم میکرد. اکنون به ایشان میگویم مرحبا!)

بعد از مدتی نا امید از احزاب حاکم کردستان، بحث مذاکرات با کومله آغاز شد. از کومله خواسته اند اجازه بدهد در زیر چتر

اردوگاههایشان قرار گیرند. زیرا به قول آقای مدرسی نمیخواهند اینبار در زیر چتر حزب آقای ریوار احمد باشند. چرا که روابط آنها با دولت و حکام کردستان عراق میتوانند در حال نوسان باشد.

قدم اول فرستادن پیک و ارسال پیام به درگاه ناسیونالیستهای کرد در سلیمانیه و اربیل بود. اما با بی احترامی دست رد به سینه اینها زدند. اکنون یک قدم عقب نشسته و به کرایه نشینی در زیر چتر کومله رضایت داده اند. اما قرار داد همین کرایه نشینی هم باید به وسیله آقای طالبانی امضا شود. کومله رسماً نمیتواند در حالی که خودش کرایه نشین است یکی دیگر را هم زیر پوشش خود بگیرد. آقای مدرسی و شاگردان اکابرش باید هنوز منتظر امضا قرار داد از جانب آقای طالبانی و بارزانی باشند. اگر آنها به کومله این اجازه را بدهند، کومله هم میتواند و مایل است که اینها را در زیر چتر خود جا بدهد. ولی همه ما و هر کسی الف بای سیاست را بلد باشد این تغییر ریل به همین سادگی نخواهد بود. برای رسیدن به کرایه نشینی هم باید حداقل بخش زیادی از تجربه آقای مهتدی را تکرار کنند.

فحاشی و دهن دریدگی علیه حزب کمونیست کارگری نیاز روز این جماعت برای رسیدن به این مکان است. زیرا خط قرمز ناسیونالیسم کرد فحاشی به حزب کمونیست کارگری است. پس به هر بهانه و به هر دلیلی لازم است که سنگ پرانی علیه ما را شدت ببخشند. اینرا لازم دارند. بدون این مدال، کارت ورود به سلیمانیه و دایر کردن دفتر و دستک و یا کرایه نشینی به آنها داده نمیشود. نامه فدایت شوم و التماس ریوار احمد از طالبانی در این زمینه و در چهار جوب این سیاست نوشته شد. بالا بردن پرچم سفید معنای زمینی و مادی داشت. مشکل تئوری و اشتباه مقطعی... نبوده و نیست.

در بخش پایانی این نوشته بد نیست به تعدادی از تناقض گوئیها و سردرگمی این جماعت نگاهی بیندازیم:

سرگردانی و تناقض گوئی متشعبین، ریشه در نادانی آنها ندارد ناشی از اپورتونیزم مشان است. اوایل جدا شدنشان از حزب، با این شعار از بین ما رفتند که سوسیالیسم مردم را رم میدهد. سوسیالیسم و انقلاب برای اینها تسمخر آمیز شده بود، اکنون از ترس منتقدین میفرمایند سوسیالیسم فوری و همین امروز و انقلاب هم مهم است. معلوم نیست چرا روزی سوسیالیسم مردم را رم میدهد و روز دیگر همین امروز و فوری لازم شده است. در کنار و همزمان با این یز "رادیکال شدن" که گویا پذیرفته اند سوسیالیسم فوری و ضروری است تلاش برای راهیابی به بارگاه ناسیونالیسم کرد ادامه دارد.

اما با این وجود اینها در تحلیل از بحران خاورمیانه بعد از اینکه کشف کردند که باید فقط علیه آمریکا موضع گیری کنند، شعار مرگ بر جمهوری اسلامی دو هفته در زیر صفحه نشریاتشان حذف شد. با فشار ما ناچار شدند مجدداً این شعار بیچاره که قربانی شده بود را به جای خود برگردانند. بعداً اعلام کردند سیاستشان در مورد بحران کنونی در خارج کشور سکوت در مقابل جمهوری اسلامی و در داخل کشور سکوت در مقابل آمریکا است. این حزب ظفر نمون تصمیم گرفته است دو سیاست داشته باشد. به کسی چه مربوط، در ایران یک سیاست و در خارج سیاست دیگر! اگر البته دوران شترسواری بود، بهتر میبود، چون این داخل و خارج از همدیگر خبردار نمیشدند و کار شعبده بازی تئورسین کم حافظه این جماعت، کوروش مدرسی کمتر میشد. الان باید پشتک و وارو بزند و هر بار به نوعی از این سیاست مشعشع دفاع کند.

خلاصه سیاست اینها اینست که نیروی شر و شیطان اصلی این تشنج جنگی، تنها امپریالیسم امریکا است. گویا جمهوری اسلامی ایران قربانی مظلوم این دعوای یک طرفه

است. آنها قطب اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را کاملاً با اغماض نگرسته و راه دیگری ندارند جز توجیه سیاستهای حکومت اسلامی. اما چون حکومتی بسیار

منفور است، پس آقای مدرسی چرتکه می اندازد و تئوری جدیدی را از یک جای دیگر بیرون میاورد و در شهر کوران تحویل جماعتش میدهد. "در خارج چیزی علیه رژیم نگویید در داخل ایران هم چیزی علیه آمریکا نگویید." کلمه و بیان تروریسم اسلام سیاسی هم تا اطلاع ثانوی در نشریات نوشته نشود. به عبارت دیگر در خارج علیه آمریکا در ایران علیه رژیم اسلامی مبارزه کنید! این شعار اینها است. تعجب نکنید این عین سیاست آقای مدرسی است و در پلنوم اخیرشان هم تصویب شده است.

اما با این وجود انگار نه انگار که اینها این همه تناقض گوئی را تکرار کرده اند. در مصاحبه کوروش مدرسی با مصطفی رشیدی از او سوال میشود: آقای مدرسی در موضع گیری به نسبت بحران اخیر میان آمریکا و جمهوری اسلامی کسانی شما را به هم جفتی با جمهوری اسلامی متهم کرده اند نظرتان چیست؟ آقای مدرسی میفرمایند: "حزب کمونیست کارگری اینرا گفته است. آنها خودشان همراه رضا پهلوی در این بحران از جمهوری اسلامی دفاع میکنند.

همین آقای مدرسی در مقاله دیگری در همین رابطه چند روز قبلش ۱۸۰ درجه عکس این موضع اخیرش نوشته است: حزب کمونیست کارگری از آمریکا دفاع میکند.

کادراهی دوره دیده کلاسهای اکابر این "فیلسوف" هم بارها اینرا تکرار کرده اند. انگار کسی در میان اینها پیدا نمیشود بپرسد آقایان و خانمهای "محترم" ادعا هایتان را اگر ممکن است مستند کنید. با هوچیگری که نمیتوانید این همه تناقض گوئی و اتهام بی اساس را لاپوشانی کنید. صداقت و صمیمیت پیشکشان دروغگوئی و اتهام بیمورد را کسی از شما قبول نمیکند. اینرا چند بار میخوانید امتحان کنید.

بالاخره پیش بینی و تحلیل آقای مدرسی در مورد جریانات راست پروغرب هم جالب است. ایشان مرقوم فرموده اند که: این جریان در بحران اخیر یا در کنار

از صفحه ۴

## دگر دیسی سیاسی . . .

آمریکا و یا در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرد. افتاب آمد نشان آفتاب، دقت و احساس مسئولیت بیشتر از این را نباید از آقای مدرسی انتظار داشت. زیرا در شهر کوران در صدی از بینایی هم حکم راهنما را دارد. سندی که پر از این "درافشانیهها و دقت" است در پلنوم به عنوان سیاست پایه اینها تصویب شده است. جالب این است که از میان این شاگردان زرنگ اکابر کسی پیدا نشده است بگوید بابا این

نمیکنند که علنی میشود. اما آنوقت دیگر دیر خواهد بود.

۱۴ مه ۲۰۰۶

(1\*) در پلنوم اخیرشان همزمان دو مصوبه متناقض را تصویب کرده و رویه بیرون هم منتشر کرده اند. برای مزاح خاطر هم شده بد نیست به آن نگاهی بیاندازید. در طرح آقای مدرسی برای سازماندهی حزبی چنین نوشته شده است "دقت سیاسی از میان اعضای خود کمیته رهبری که نباید از یک سوم اعضای دقت سیاسی بیشتر باشد را انتخاب می کند." این طرح مصوبه پلنوم است.

سپس پلنوم ۲۰ نفر را به عضویت دفتر سیاسی انتخاب و همین دفتر سیاسی ۲۰ نفره ۱۰ نفر را به عنوان کمیته رهبری انتخاب میکند. همچنانکه میبینید یک سوم ۲۰ نفر از نظر اینها میشود ۱۰ نفر!!  
در اطلاعیه پلنومشان اعلام کرده اند که: "دفتر سیاسی طبق طرح جدید، کمیته رهبری ۱۰ نفره ای را انتخاب کرد."  
این دو مصوبه را علنی و با افتخار منتشر کرده اند. کسی در میان اینها پیدا نشده است که بگوید یک سوم عدد ۲۰ عدد ۱۰ نمیشود. ممکن است خواننده فکر کند این یک اشتباه لپی بوده است. اما نه این طور نیست. کمونیست شماره ۹۰ آنان با "دقت" تمام این مصوبات را یک جا چاپ کرده است. اشتباه لپی در کار نیست. این هم سیاستی از نوع آقای مدرسی است. (مصوبه اول به مشکلی جواب میدهد که فعلا بیانش را لازم نمیدانند. مصوبه دوم هم باید مشکل دیگری را جواب دهد.) ایشان هر روز از این دسته گلها را به آب میدهد. یکی و دوتا نیست.



نشد، شروع به فرار کردن کردیم، در آنسوی خیابان یک دفعه هر چهار نفر به ما رسیدند و دختر عمومیم را گرفتند. آنها گفتند او را با خودمان می بریم، بعدش ولش میکنیم، نترس. و نازنین که احساس مسئولیت میکرده دوباره شروع به فریاد زدن و کمک خواستن میکند و وقتی یک ماشین را در آنجا آماده می بیند که ظاهراً دختر همراهش را میخواست سوار کند با چاقویی که بهمراه داشته از خودش دفاع میکند و به این ترتیب، خودش هم نمایاند بعدا چه میشود.

های دیگر در ایران صحبت کنیم. در مورد فقر و نداری، در مورد بیکاری و عدم دریافت دستمزدها از سوی کارگرانی که کار هم دارند، در مورد گرانی و استیصال و در مورد سیستم بسر مسردم و زن ستیزی وحشتناک در این جامعه . سوال اینست که اگر نازنین مقاومت نمیکرد چه میشد؟ اگر مورد تجاوز واقع میشد چه کسانی و کدام نهادها از او دفاع میکردند. آیا او بعد از این تجاوز قربانی زن ستیزی حکومت و یا قتل ناموسی نمیشد؟ این چه سیستمی است که زن را انسان حساب نمیکند و اگر متاهل بود و به او تجاوز کردند،

کمکهای مالی خود را به این شماره حساب واریز کنید:

Sweden  
Plusgirokonto : 412085-3  
IBAN : SE81 9500 0099 6042 0412 0853  
BIC : NDEASESS

International comitte against  
executions

کمیته بین المللی علیه اعدام

آدرس تماس: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

0049-1775692413

<http://www.adpi.net>

ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۱

## من و دو نازنین! . . .

دوم، از مدرسه دست کشیده و به نگهداری از کودکان دیگر در خانه مشغول شود، چرا که مادر خانواده برای کمک به زندگی، مجبور بوده در خانه ها خدمتکاری کند.

مادر نازنین، زن رنج دیده ای است که فارسی را به زحمت صحبت میکند. همه این خانواده از سنندج هستند. و به زبان کردی مسلط هستند. از مدتها قبل ساکن کرج و خانواده کارگری مهاجر هستند که با رنج و صرارت و زحمت زندگی میکنند.

مادرش به خبرنگار ما میگوید ، که شوهرم مریض است. بیماری کبد دارد و کبدش در حقیقت خراب شده است. چهار بار عمل جراحی شده و پول عمل او را نیز دیگران داده اند. اکنون او زمین گیر است و نمیتواند کار کند.

من به کار در منازل مردم، فرش شستن و نظافت خانه ها مشغول بودم و اکنون بدلیل اینکه مدتها بطور مداوم به مواد شیمیایی برای شستن فرش و غیره دست زده ام، حساسیت پیدا کرده ام و دکتر این کار را برای من قندغن کرده است. خوب شکم این بچه ها را کی باید سیر کند؟

نازنین یک روز برای خرید از خانه بیرون میرود. دختر عموی او نیز به همراه اوست. دختر ۱۷ ساله دیگری که باهم برای خرید میروند.

نازنین تعریف کرده است که چهار نفر مزاحم ما شدند. اول شروع کردیم به در رفتن و سپس فریاد زدیم و کمک خواستیم، اما کمکی به ما

ایسکرا

## نازنین در اعماق جامعه

نگاهی به زندگی و موقعیتی که نازنین در آن زیسته است.

او اکنون ۱۸ ساله است. ۱۸ سالگی، برای هر جوانی، با شادی و شور باید آغاز شود و معمولا در جوامع نرمال، هجده ساله شدن جوانان را جشن میگیرند و شروع زندگی در شرایط جدید را به فرد تبریک میگویند. ولی نازنین مسا در زندان وحشتناک رجایی شهر است. او در کنار زنان زیادی در سلول زندان، ۱۸ ساله شد و هر روز، از وحشت اعدام و طناب دار همه بدنش میلرزد.

او اولین فرزند یک خانواده پرجمعیت است. بعد از او یک پسر ۱۶ ساله، یک دختر ۱۴ ساله، و آخرین دختر ۱۰ ساله و ۹ ساله و آخرین فرزند خانواده یک پسر ۲ ساله است. نازنین مجبور میشود بعد از کلاس

از صفحه ۵

## من و دو نازنین! . . .

صبح روز جمعه ۱۲ ماه مه است و من مثل همیشه، مروری بر کارهای روزمیکم و برنامه میریزم که امروز را صرف چه کاری بکنم. این روز قبل از هر چیز باید به جستجوی خودم برای یافتن سرنخی از نازنین ۱۸ ساله در ایران ادامه دهم. مدتها بود که این به مشغله من تبدیل شده بود. دختر جوانی که به دلیل دفاع از خود و یک دختر همراهش و در جریان مقاومت در مقابل دو پسر جوان که قصد تجاوز به او را داشتند، متأسفانه یکی از این دو نفر را به قتل رسانده است. اکنون نازنین در یک زندان مخوف، با کاپوس اعدام دست و پنجه نرم میکند.

در ورای دیوارهای وحشتناک زندان و وماورای رفتار وحشیانه و توهین آمیز زندانبانان دنیایی وجود دارد که انسانی است و دنیایی با قلبی بزرگ، که به کمک نازنین ۱۸ ساله برخاسته است. دو ماه پیش بود که در ایتالیا کمیته نجات نازنین اعلام موجودیت کرد و "اما بونینو" زن سرشناس مدافع حقوق بشر نیز عضو آن شد، قرار بود در پارلمان اروپا، با او نشستنی داشته باشیم و طبعاً آنها را نیز تشویق کنیم که به این فعالیت ادامه دهند. عفو بین الملل اعلام کمپین کرده، و همچنین سازمان تره ده فام "بزرگترین سازمان مدافع

حقوق زن در آلمان.

صبح روز جمعه ۱۲ ماه مه است و من که کمی فارغ از سفر و سخنرانیهای فشرده دو هفته اخیر هستم، به جستجوی خودم در ایران ادامه میدهم. تلفن به هر کس و یا گروهی که امکان دارد سرنخی از نازنین داشته باشد. از دو هفته گذشته به تعداد زیادی تلفن کرده و پیام داده ام، و اکنون باید نتیجه را بپرسم.

با اولین تلفن از آن سوی خط می شنوم، پیدایش کردم. و من سر از پا نمی شناسم هزار بار از گوینده این خبر تشکر میکنم و از راه دور او را در آغوش میگرم و میبوسم. از احوال نازنین می پرسم. و آخرین اخبار وضعیت او را جویا میشوم. بعد از قطع تلفن به ایران، مجدداً با خوشحالی تلفن را برداشته و این بار میخواهم خودم

مهابه فاتی (نازمین)

با نازنین حرف بزنم. یک نازنین دیگر که در طول دو هفته گذشته، یک رابطه عاطفی بین من و او ایجاد شده است. دختر نازنینی که در کانادا ملکه زیبایی شده و اکنون با دیدن اسم نازنین ۱۸ ساله در ایران و هم اسم بودن دو نفر، قصد کمک به نازنین در آستانه اعدام را کرده است. فراخوان کمپین اعتراضی داده و ۱۲۰ هزار نفر، بله صد و بیست هزار نفر طومار اعتراض به قتل

عمد نازنین ۱۸ ساله را، در مدت کوتاهی امضا کرده اند. او که بیصبرانه خواهان کمک بیشتر، خواهان ارتباط گیری و خواهان انجام اقدامات ویژه تر است، از طریق مصطفی صابر دبیر سازمان جوانان کمونیست به ما وصل شده بود.



نازنین افشین جم

من با نازنین در کانادا تا کنون چندین بار تلفنی حرف زده و از اینکه برای نجات جان انسانهایی که در زندان جمهوری اسلامی ایران در شرایطی وحشتناک به سر برده و با مرگ دست و پنجه نرم میکنند، فعالیت میکنند، به او درود میفرستم. من از وجود این جوان انسان دوست که از امکانات خود برای یک امر انسانی و دفاع از جان انسانها مایه میگذارد احترام و الایی قائلم. و امیدوارم که این جنبش انسانی برای لغو قوانین اعدام و لغو همه احکام اعدام چنان همه گیر شود که ما بتوانیم در دنیایی بدون این

احکام زندگی کنیم. نازنین دوم در کانادا اگر چه مشکل میتواند فارسی حرف بزند اما احساس و نگرانی از اعدام نازنین در زندان جمهوری اسلامی را راحت میتواند منتقل کند. ابتدا تلفن اش روی پیامگیر است و من به او میگویم نازنین عزیز، نازنین محکوم به اعدام را پیدا کردم. با من تماس بگیر. میدانم که در کانادا حدود نصف شب است ولی چون هر روز تقریباً از او پیام میگرفتم که مینا بلکه او را پیدا کنی، همین نصف شب به او زنگ میزنم. یک لحظه بعد از قطع تلفن به من زنگ میزنند. میگویند صدایت را شنیدم در خواب بودم اما خبری در نازنین را شنیدم دیگر نمیتوانستم بخوابم.

یک بار دیگر با او مفصل حرف میزنم که ما چه میکنیم و او چه کارهای دیگری میتواند انجام دهد. از اینکه باید همدیگر را ببینیم و از اینکه او میخواهد به بقیه محکومین به اعدام نیز کمک کند، حرف میزند و این عزم برای ادامه فعالیت در مقابله با احکام اعدام، مرا بیشتر خوشحال کرد.

من در یک هفته گذشته در چندین جلسه سخنرانی در مورد اهمیت و مضمون کارهای خودمان در نجات جان انسانها حرف زده ام و گفته ام که ما در فعالیتهای خودمان به انسانهای در اعماق جامعه امکان میدهیم که چهره خود را عواطف و

احساسات خود را نشان دهند، ما کبرا رحمانپور، افسانه نوروزی، فاطمه حقیقت پژوه و نازنین و ولی فیض مهدوی و دیگران را به چهره های سرشناس در دنیا تبدیل کرده و سمپاتی عمیقی را بسوی این انسانها جلب میکنیم که کمک میکند جان این افراد نجات یابد. در قلب سیاهی و تباهی که جمهوری نکبت اسلامی در ایران به بار آورده، در اوج نا امیدی و استیصال کسانی که اسیر یک مشت جلاذ شده اند، نوری در تاریکی می درخشد و این انسانها نیز می بینند که انسانیت زنده است امید به راهی را تقویت میکند. نازنین افشین جم

به حرفهای آن سوی خط در ایران فکر میکنم که امروز بعد از اینکه خبر پیدا کردن نازنین را داد، گفت، نازنین خوشحال شده است که شنیده کسانی در خارج از ایران او را کمک میکنند. او امیدش به شما است. و من از این سوی خط و از طرف صد و بیست هزار نفر که طومار را امضا کرده اند و از طرف خودم و نازنین در کانادا و همه نهادهای مدافع حقوق انسان و مخالف قتل عمد دولتی اعلام میکنم که ما نخواهیم گذاشت نازنین و نازنین ها در ایران اعدام شوند، ما نخواهیم گذاشت، صدای انسانیت، صدای نوع دوستی و دفاع از حق حیات و صدای بشریت مترقی خاموش شود.

## زنده باد فعالیتهای انسانیها! همچون نازنین و زنده باد انسانیت.

قلدر منشا کارفرمایان و دولت، با مشکلات و فقر جانگناه و غیر قابل تحمیلی دست و پنجه نرم میکنند. حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران را به حرکتی متحدانه و سراسری برای وادار کردن مفتخوران سرمایه دار و حکومت منفور اسلامی شان به پرداخت فوری دستمزدها، فرا میخواند. باید تلاش کنیم که اعتراضات گسترده و هرروزه خود را متحد و سراسری کنیم و خواست پرداخت فوری دستمزدها و مزایا را از سراسر ایران فریاد بزنیم.

نابود با سرمایه داری مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی برابری حکومت کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ فروردین ۱۳۸۵ ۲۰۰۶ ۱۱

کارگران و بیکارسازی ها قرار داده است. صنایع پوشش گیلان قبلاً از بزرگترین واحدهای تولیدی نساجی در گیلان بود که ۴ کارخانه نساجی را در بر میگرفت. این کارگران از بیمه بیکاری ناچیز جمهوری اسلامی نیز برخوردار نیستند. زیرا مقامات میگویند مهلت بیمه این کارگران که بعد از به تعطیلی کشیده شدن تولید تحت پوشش بیمه بیکاری جمهوری اسلامی قرار داشتند از اسفند ۸۴ تمام شده و دفتر چه بیمه آنان اکنون فاقد اعتبار است.

نپرداختن دستمزد کارگران مدتهاست که ابعادی بسیار گسترده به خود گرفته و بیش از یک میلیون نفر از کارگران و خانواده های کارگری به خاطر این دزدی آشکار و

## اخباری از اعتراضات کارگری

قول و وعده هایی که داده شده به خواستهای آنان پاسخی داده نشده است. نساجی غرب کرمانشاه بیش از یک سال است که تعطیل است و با وجود اعتراضات پی درپی کارگران هنوز اقدامی صورت نگرفته است. این اعتراضات همچنان ادامه دارد.

## صنایع پوشش گیلان

تجمع اعتراضی کارگران صنایع پوشش گیلان روز ۱۹ فروردین بیش از ۵۰ کارگر شرکت صنایع پوشش گیلان در اعتراض به نپرداختن ۱۰ ماه دستمزد و مزایای خود در مقابل اداره مختلف دولتی، تجمعات اعتراضی برپا کرده اند اما تا کنون علییرغم

## اعتراض کارگران نساجی غرب

تجمع اعتراضی کارگران نساجی غرب و صنایع پوشش گیلان

روز ۱۹ فروردین بیش از ۱۴۰ نفر از کارگران شرکت نساجی غرب در کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد و مزایای خود در محل کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران این کارخانه در اعتراض به نپرداختن دستمزد های خود و وضع بلا تکلیفشان بارها و بارها در مقابل ادارات و نهادهای مختلف دولتی، تجمعات اعتراضی برپا کرده اند اما تا کنون علییرغم

## تجمع دانشجویان دانشگاه کردستان



تعدادی از دانشجویان دانشگاه کردستان در اعتراض به تعلیق کانون‌های فرهنگی و تشکلهای دانشجویی این دانشگاه

برای دومین روز در این دانشگاه تجمع کردند. آسو صالح، دبیر کانون فرهنگی هژان این دانشگاه در گفت و گو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) با اعلام این خبر گفت: بیش از ۶ ماه است که کانون‌های فرهنگی دانشگاه بدون صدور هیچ حکمی در تعلیق به سر می‌برند و دانشگاه هیچ مجوزی برای فعالیت این تشکلهای دانشجویی ندارد. دانشجویان بارها خواستار برگزاری جلسه پرسش و پاسخ با مسئولین

شده‌اند اما مسئولین حاضر به پاسخگویی نیستند. این فعال دانشجویی افزود: پس از اعلام آخرین درخواست دانشجویان برای گفت و گو میان دانشجویان و مسئولین و عدم پذیرش از سوی مسئولین، دانشجویان به این مسأله اعتراض کردند و دیروز (دوشنبه) تحصنی در دانشگاه برگزار کردند. وی با تأکید بر اینکه خواسته‌های دانشجویان صنفی است و بیش از ۶ ماه است که مطرح می‌شود، مدعی شد: حراست دانشگاه از محتوا و شکل برنامه‌های انجمن و کانون‌های فرهنگی در ماه‌های

مهر و آبان شکایت کرده است و به دلیل این شکایت مجوزی برای فعالیت صادر نمی‌شود. هفته گذشته حکم یک ماه تعلیق انجمن صادر شد اما برای سه کانون فرهنگی دیگر هنوز حکمی صادر نشده است. وی با ابراز این ادعا که حراست دانشگاه مانع ورود تعدادی از دانشجویان به دانشگاه و خوابگاه شده است، گفت: دانشجویان در اعتراض به اقدامات مسئولان دانشگاه دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

## تجمع اعتراض آمیز کارگران کارخانه شاهو سنندج

کارگران کارخانه شاهو در اعتراض به تصمیم مدیر عامل کارخانه نسبت به تعطیلی کارخانه و پرداخت بیمه بیکاری به آنان دست به تجمع زدند. مدیر کارخانه به بهانه تغییر ساختار کارخانه تصمیم به تعطیلی کارخانه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران از صندوق بیمه تأمین اجتماعی گرفته است. اما ماده ۱۲ قانون کار کارفرما را موظف به پرداخت دستمزد کارگران تا پایان

تغییر ساختار کرده است. برای اعتراض به این تصمیم کارگران ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۲۴/۲/۱۳۸۵ مقابل دفتر کارخانه واقع در خیابان حسن آباد سنندج دست به تجمع زدند و خواستار حضور مدیر کارخانه شدند اما او از حضور در تجمع خودداری و طی تماسی تلفنی کارگران مطالباتشان را اعلام کردند و تأکید کردند که در صورت عدم تحقق خواسته‌هایشان مجدداً با



تا حد زیادی تضمین می‌کند و پایه‌های اتحاد مستحکم تری را برای پیشرویهایی بیشتر فراهم می‌کنند. حزب کمونیست کارگری ایران از این مبارزه قاطعانه دفاع می‌کند و از همه کارگران و مردم و بویژه مردم کاشان می‌خواهد که فعالانه از مبارزات و خواسته‌های بحق کارگران نساجیه دفاع کنند. باید با تقویت و گسترده کردن هرچه بیشتر صفوف این اعتراض قلدلر منشی کارفرمایان و مقامات حکومت منفور اسلامی سرمایه داران را به شکست کشاند. حزب همچنین از کارگران اعتصابی نساجیه می‌خواهد که به نحو فعالتری صدای اعتراض خود را از طریق رسانه‌های مختلف و بویژه رسانه‌های حزب به گوش کارگران و مردم در سطح ایران و جهان برسانند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵  
۱۶ مه ۲۰۰۶

پلاکارد نساجی‌های کاشان که روی آن نوشته شده بود "۱۴ ماه دستمزد معوقه ما را بپردازید" به نحو برجسته‌ای به چشم می‌خورد. همچنین روز ۴ اردیبهشت بیش از هزار تن از کارگران کارخانه ری‌سندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به همین موضوع و با خواست برکناری مدیرعامل کارخانه در مقابل ساختمان فرمانداری در این شهر تجمع کرده و خوابگاه‌های این منطقه را مسدود کردند.

حرکت متحدانه و مصمم کارگران نساجیه‌های کاشان یک مبارزه نمونه وار برای مقابله با سیاست جنایتکارانه بالا کشیدن دستمزدها توسط کارفرمایان و دولت است. اتکا کردن تصمیمات به رای همه کارگران، هماهنگ کردن اعتراضات در سطح چند کارخانه، و پافشاری بر ادامه مبارزه تا رسیدن به خواست خود، پیروزی کارگران را

## کارگران نساجی‌های کاشان به اعتصاب خود ادامه می‌دهند

تجمعات اعتراضی زدند. در مراسم و تجمع اول مه این کارگران به تهران رفتند و حضور برجسته‌ای در تجمع اول مه داشتند. در این تجمع کارگران صف خود را از پادوهای

از تعطیلات نوروزی اعلام کردند که اگر کارفرما و دولت به خواسته‌های آنها جواب ندهند مبارزات خود را شدت خواهند داد. کارگران نساجیه‌های کاشان طی ماه‌هایی

اعتراضات کارگران نساجیه‌های کاشان بیش از سه ماه است ادامه دارد

صدها کارگر کارخانه‌های ری‌سندگی و بافندگی و "طرح توسعه نساجیه‌های کاشان" بدنیال سه ماه اعتراضات اخیر خود، همچنان در اعتصاب بسر می‌برند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا زمانی که تمام حقوق و مزایای پرداخت نشده خود را دریافت نکنند به سر کار باز نخواهند گشت. روز ۲۳ اردیبهشت نمایندگان کارگران در جلسه فوق العاده هیئت مدیره کارخانه اعلام کردند که تا گرفتن حقوق خود دست از اعتصاب نخواهند کشید.

این دور از اعتراضات کارگران نساجیه‌های کاشان از ماه‌های آخر سال گذشته شروع شد و کارگران قبل



"خانه کارگری" رژیم جدا کردند و بر خواسته‌های خود پافشاری نمودند.

گذشته در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود بارها دست به

از صفحه ۱

## موفقیتی برای سندیکای کارگران . . .

سندیکا انجام داده اند اما سندیکای واحد جای خود را همه جا باز کرده است و عضویت در یک سازمان جهانی کارگری موفقیت دیگری در این راستا به حساب میآید. سندیکای شرکت واحد در عین حال الگویی از مسیر شکل گیری و تثبیت سازمانهای کارگری در ایران از طریق مبارزه و اعتصاب و همبستگی جهانی کارگری به همه فعالین کارگری نشان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ مه ۲۰۰۶

۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵

ضمیمه ترجمه نامه فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت به سندیکای کارگران شرکت واحد: **به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**  
۹ مه ۲۰۰۶  
درخواست عضویت

حزب کمونیست کارگری پیوستن سندیکای واحد به فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت را به سندیکای واحد و همه کارگران شرکت واحد تبریک میگوید. حزب

با کمال مسرت، به اطلاعاتن می رسانم که هیئت اجرایی "فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت" (آی تی اف) در جلسه ۲۶، ۲۷ و ۲۸ آوریل خود با تقاضای اتحادیه شما برای عضویت در آی تی اف، منوط به تکمیل مواردی اداری، موافقت کرد.

همچنین تأیید می کنم که، بعنوان اقدامی ویژه، آی تی اف حق عضویت ۶ ماه اول شما را، که برای قطعی شدن عضویت ضروری است، از "صندوق همستگی بین المللی" تامین خواهد کرد.

بدین ترتیب، کلیه تشریفات اداری مربوط به تقاضای شما

تکمیل شده است. مایه خوشحالی است که ورود شما به آی تی اف را از تاریخ اول مه ۲۰۰۶ رسماً خوش آمد بگویم، و بیصبرانه در انتظار همکاری با شما و همکارانتان در آینده هستم.

تعداد اعضای شما ۱۰۰۰ نفر، در بخش "حمل و نقل جاده ای"، ثبت شده است. رئیس این قسمت آقای مک یوراتا است، که بزودی با شما تماس خواهد گرفت تا اطلاعاتی را در باره ساختار و فعالیت های آن بخش در اختیار شما قرار دهد. من همچنین از دپارتمان "اطلاع رسانی و سیاست گذاری" مان خواهم خواست که گزیده ای از نشریات آی تی اف را برای شما

ارسال کند. از طرف هیئت اجرایی آی تی اف، خوشحالم شما را به چهل و یکمین کنفرانس آی تی اف دعوت کنم. دریائین، لینک های اطلاعیه ها و بروشورهای تبلیغی، حاوی اطلاعاتی پایه ای در باره کنفرانس، دستور جلسه، ساعات برنامه ها و فرم های رزرو هتل، که به اتحادیه های عضو فرستاده شده اند، را ملاحظه می کنید.

چنانچه به مساعدت بیشتر من نیاز هست، لطفاً به من اطلاع دهید.

رفیق شما،  
دیوید کاک رافت  
دبیر کل

[http://www.itfglobal.org/files/sealsdocs/ENG/1499/Congress\\_invitation.pdf](http://www.itfglobal.org/files/sealsdocs/ENG/1499/Congress_invitation.pdf)

<http://www.itfglobal.org/about-us/41stcongress.cfm>

تعرضی به حقوق خود، نیروهای مزدور رژیم را سرچایشان بنشانند و اجازه ندهند که محلات شهر را بر مردم نا امن کنند. باید تلاش کرد در محلات شهر مردم و بویژه جوانان متشکل شوند و کمیته های دفاع از محله را سازمان بدهند. محلات شهر باید جای امنی برای مردم و جوانان و نا امن و غیر قابل کنترل برای نیروهای مزدور رژیم باشد.

دستگیر شده گان را از چنگ مزدوران در آورند مزدوران رژیم ناچار به عقب نشینی میشوند. این جنگ و گریز به میدان انقلاب کشیده شد و مردم نیروهای دولتی را دنبال کرده بودند. در این محفل نیروهای انتظامی تهدید به تیر اندازی کردند و با استفاده از گاز اشک آور مردم را پراکنده کردند.

کمیته کردستان حزب این حرکت جسورانه مردم سنندج در مقابل زورگوی و وحشیگری رژیم اسلامی را تحسین می کند و تمامی مردم را فرامیخواند در مقابل هر نوع

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵  
۱۰ مه ۲۰۰۶

## درگیری مردم سنندج با نیروهای دولتی

در این زرد خورد وسایل تعدادی از دستفروشان زیر دست و پیا افتاده و له شده بود. مردم دستفروشان را کمک کردند تا وسائشان را جمع کنند. نیم ساعت بعد که تقریباً محیط عادی شده بود مجدداً مامورین شهرداری با لباس شخصیها و نیروهای ۱۱۰ وارد محله شدند و دو نفر را دستگیر کردند.

مجدداً درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی شروع شد. در حالی که مردم تلاش می کردند که

به مقاومت شدند و سپس مردم با دیدن این صحنه و وحشی گیری مامورین دولتی به کمک دستفروشان شتافتند. در کمتر از چند دقیقه بیش از ۲۰۰ نفر از مردم معترض جمع شدند و مامورین را حسابی کتک زدند. مردم فریاد می زدند ما نان زحمت خود را می خوریم شما نان مزدوری را می خوردید. مامورین با سرو کله خونین پا به فرار گذاشتند و از این محله دور شدند.

روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۵، ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه مامورین شهرداری سنندج به محله "سرتپولمه" یورش برده و دستفروشان در این محله را مورد تعرض قرار دادند.

نیروهای شهرداری اعلام کردند که کالاهای دستفروشان را مصادره میکنند. این در حالی است که این وسایل تنها دارایی کارگران بیکاری است که به دستفروشی روی آورده اند. بعد از جرو بحث کوتاهی با مامورین دولتی، دستفروشان ناچار

## با تشکر فراوان از یاران پدر عزیزم (درویش رحمت صادقی) در شهر سنندج و دوستان عزیز دیگر از نقاط مختلف!

از اینکه به دلیل مشکلاتی نتوانستم زودتر جواب تلفن و نامه های یکا یک شما عزیزانم را بدهم قلباً معذرت میخوامم و از این طریق از زحمات و محبتهای تک تک شما عزیزانم قدردانی میکنم و آرزوی سلامتی برایتان دارم..

با سپاس فراوان  
آوات صادقی  
۹ مه ۲۰۰۶

تماسهای خود چه با تلفن و فاکس یا نامه تسلیم و چه با فرستادن تاج گلهایی ازطرف دوستان عزیزم که بر سر مزار پدرم در سنندج با من و خانوادم احساس همدردی کردند صمیمانه تشکر میکنم. درود بر تک تک شما عزیزانی که با دریایی از لطف و محبت خود تحمل این بار سنگین را برای من و خانواده ام آسان کردید.

بدینوسیله از یاران عزیز پدرم چه در شهر سنندج و برادرانباخته عزیزم سیروس (دکتر سیروس) و دوستان عزیزم که از کشورهای دیگر و عزیزانی که از نقاط دور و نزدیک برای شرکت در مراسم یادبود پدرم که در اینجا حضور داشتند و چه آنهاهایی که از سنندج و همچنین از دوستانی که از کشورهای مختلف که با

از سایت ایسکرا دیدن کنید  
[www.iskraa.org](http://www.iskraa.org)

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12 Center Frequency:  
12608MHz  
SymbolRate:19279  
FEC:2/3  
Polarization:  
Horizontal

تلویزیون  
کانال جدید  
۸ تا ۱۰ شب

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!